

## باطن توسل شیعیان

کسانی که شرک را به معنی «تعلق و توسل به غیر خدا» تفسیر می‌کنند، حرفشان تنها در صورتی صحیح است که ما برای ابزار و وسائط موجود، «اصالت و استقلال» قائل شویم...



کسانی که شرک را به معنی «تعلق و توسل به غیر خدا» تفسیر می‌کنند، حرفشان تنها در صورتی صحیح است که ما برای ابزار و وسائط موجود، «اصالت و استقلال» قائل شویم، وگرنه چنانچه آنها را وسایلی بدانیم که، به مشیت و اذن الهی، ما را به نتیجه می‌رسانند از مسیر توحید خارج نشده‌ایم، و اصولاً زندگی بشر از روز نخست بر این اساس، یعنی استفاده از وسایل و وسائط موجود، استوار بوده و پیشرفت علم و صنعت نیز در همین راستا صورت گرفته و می‌گیرد.

زندگی بشر بر اساس بهره‌گیری از وسائل و اسباب طبیعی استوار است که هر یک آثار ویژه خود را دارند. همه ما هنگام تشنگی آب می‌نوشیم، و هنگام گرسنگی غذا می‌خوریم. چه، رفع نیاز توسط وسایل طبیعی، به شرط آنکه برای آنها «استقلال در تاثیر» قائل نشویم، عین توحید است. قرآن یادآور می‌شود که: ذوالقرنین در ساختن سد از مردم درخواست کمک کرد: «فاعینونی بقوة اجعل بینکم و بینهم ردما» (کهف/95): با قدرت خویش مرا یاری کنید تا میان شما و آنان (یا جوج و ماجوج) سدی برپا سازم.

کسانی که شرک را به معنی «تعلق و توسل به غیر خدا» تفسیر می‌کنند، حرفشان تنها در صورتی صحیح است که ما برای ابزار و وسائط موجود، «اصالت و استقلال» قائل شویم، وگرنه چنانچه آنها را وسایلی بدانیم که، به مشیت و اذن الهی، ما را به نتیجه می‌رسانند از مسیر توحید خارج نشده‌ایم، و اصولاً زندگی بشر از روز نخست بر این اساس، یعنی استفاده از وسائل و وسائط موجود، استوار بوده و پیشرفت علم و صنعت نیز در همین راستا صورت گرفته و می‌گیرد. ظاهراً توسل به اسباب طبیعی مورد بحث نیست؛ سخن درباره اسباب غیر طبیعی است که بشر جز از طریق وحی راهی به شناخت آنها ندارد. هرگاه در کتاب و سنت چیزی به عنوان وسیله معرفی شده باشد، تمسک به آن همان حکمی را دارد که در توسل به امور طبیعی جاری است. بنابر این، ما زمانی می‌توانیم با انگیزه دینی به اسباب غیر طبیعی تمسک جوییم، که دو مطلب ملحوظ نظر قرار گیرد:

- از طریق کتاب و سنت، وسیله بودن آن چیز برای نیل به مقاصد دنیوی یا اخروی ثابت شود؛

- برای اسباب و وسائل، هیچ‌گونه اصالت و استقلال قائل نشده و تاثیر آنها را منوط به اذن و مشیت الهی بدانیم.

قرآن کریم، ما را به بهره گرفتن از وسائل معنوی دعوت کرده می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون» (مائده/35): ای افراد با ایمان خود را از خشم و سخط الهی واپایید، و برای تقرب به او وسیله‌ای جستجو کنید، و در راه وی جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. .

باید توجه نمود که وسیله به معنای تقرب نیست، بلکه چیزی است که مایه تقرب به خدا می‌گردد و یکی از طرف آن، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است و در عین حال می‌تواند، چیزهای دیگر نیز وسیله تقرب باشد. (1)

ثابت شد که توسل به اسباب طبیعی و غیر طبیعی (به شرط اینکه، رنگ استقلال در تاثیر به خودنگیرند) عین توحید است. شکی نیست که انجام واجبات و مستحبات، همچون نماز و روزه و زکات و جهاد و غیره در راه خدا، همگی وسایل معنوی‌یی هستند که انسان را به سر منزل مقصود، که همان تقرب به خداوند است می‌رسانند. انسان در پرتو این اعمال، قیقت‌بندگی را می‌یابد و در نتیجه به خدا نزدیک می‌شود. ولی باید توجه نمود که وسایل غیر طبیعی، منحصر به انجام امور عبادی نیست، بلکه در کتاب و سنت یک رشته وسایل معرفی شده که توسل به آنها استجاب دعا را به دنبال دارد که ذیلاً برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

- توسل به اسما و صفات حسناى الهی که در کتاب و سنت وارد شده است، چنانکه می‌فرماید: «و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها» (اعراف/180): اسماى حسنى مخصوص خداوند است، پس خداوند را به وسیله آنها بخوانید. در ادعیه اسلامی، توسل به اسما و صفات الهی فراوان وارد شده است.

- توسل به دعای صالحان که برترین نوع آن توسل به ساحت پیامبران و اولیای خاص خداوند است تا برای انسان از درگاه الهی دعا کنند.

قرآن مجید به کسانی که بر خویشتن ستم کرده‌اند (گنهکاران) فرمان می‌دهد سراغ پیامبر روند و در آنجا هم خود طلب مغفرت کنند، و هم پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند. و نوید می‌بخشد که: در این موقع خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت، چنانکه می‌فرماید: «و لو انهم اذظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما» (نساء/64) در آیه دیگر، منافقان را نکوهش می‌کند که چرا هرگاه به آنان گفته شود سراغ پیامبر بروند تا در باره آنان از خداوند طلب آمرزش کند، سرپیچی می‌کنند؟! چنانکه می‌فرماید: «و اذا قیل لهم تعالوا یتستغفر لکم رسول الله لئلا یظلموا انفسهم و یتوبوا الیه لعلهم یرحمو» (منافقون/5) از برخی از آیات بر می‌آید که در امتهای پیشین نیز چنین سیره‌ای جریان داشته است. فی‌المثل، به صریح قرآن، فرزندان یعقوب علیه السلام از پدر خواستند بابت گناهانشان از خدا برای آنان طلب آمرزش کند و یعقوب نیز درخواست آنان را پذیرفت و وعده استغفار داد: یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین قال سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم. (یوسف/97-98)

ممکن است گفته شود: توسل به دعای صالحان، در صورتی عین توحید (ویا لاقول مؤثر) است که کسی که به او توسل می‌جویم در قید حیات باشد، ولی اکنون که انبیا و اولیا از جهان رخت‌بر بسته‌اند، چگونه توسل به آنان می‌تواند مفید و عین توحید باشد؟ در پاسخ به این سؤال یا ایراد، دو نکته را بایستی یادآور شویم:

الف - حتی اگر فرض کنیم شرط توسل به نبی یا ولی حیات داشتن آنهاست، در این صورت توسل به انبیا و اولیای الهی پس از مرگ آنان، تنها کاری غیر مفید خواهد بود، نه مایه شرک؛ و این نکته‌ای است که غالباً از آن غفلت شده، و تصور می‌گردد که حیات و موت، مرز توحید و شرک است! در حالی که بر فرض قبول چنین شرطی (حیات انبیا و اولیا در هنگام توسل دیگران به آنان)، زنده بودن شخص نبی و ولی، ملاک مفید و غیر مفید بودن توسل خواهد بود، نه مرز توحیدی بودن و شرک آمیز بودن عمل!

ب - مؤثر و مفید بودن توسل دو شرط بیشتر ندارد:

- فردی که به وی توسل می‌جویند، دارای علم و شعور و قدرت باشد؛

- میان توسل جویندگان و او ارتباط برقرار باشد؛ و در توسل به انبیا و اولیایی که از جهان درگذشته‌اند، هر دو شرط فوق (درک و شعور، و وجود ارتباط میان ما و آنان) به دلایل روشن عقلی و نقلی، تحقق دارد.

وجود حیات برزخی یکی از مسایل مسلم قرآنی و حدیثی است که دلایل آن را در اصل 105 و 106 یادآور شدیم. در جایی که، به تصریح قرآن، شهدای راه حق حیات و زندگی دارند، مسلماً پیامبران و اولیای خاص الهی - که بسیاری از ایشان خود نیز شهید شده‌اند: از حیات برتر وبالآتری برخوردارند. بر وجود ارتباط میان ما و اولیای الهی دلایل بسیاری در دست است که برخی را ذیلاً یادآور می‌شویم:

- همه مسلمانان در پایان نماز شخص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را خطاب قرار داده و می‌گویند: السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته؛ آیا آنان بر راستی کار «لغوی» انجام می‌دهند و پیامبر این همه سلام را نمی‌شنود و پاسخی نمی‌دهد؟! - پیامبر گرامی در جنگ بدر دستور داد اجساد مشرکانرا در چاهی ریختند. سپس خود با همه آنان سخن گفت. یکی از یاران رسول خدا عرض کرد: آیا با مردگان سخن می‌گویید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شماها از آنان شنواتر نیستید. (2)

- رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم کرارا به قبرستان بقیع می‌رفت و به ارواح خفتگان در قبرستان چنین خطاب می‌کرد: السلام علی اهل الدیار من المؤمنین و المؤمنات. و بر اساس روایتی دیگر می‌فرمود: السلام علیکم دار قوم مؤمنین». (3)

- بخاری در صحیح خود آورده است: روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت، ابوبکر وارد خانه عایشه شد. سپس به سوی جنازه پیامبر رفته، جامه از صورت پیامبر برگرفت و او را بوسید و گریست و گفت: بای انت یا نبی الله لا یجمع الله علیک مؤتین، اما الموتة التی کتبت علیک فقدمتها. (4)

پدرم فدای تو بادای پیامبر خدا، خدا دو مرگ بر تو ننوشته است. مرگی که بر تو نوشته شده بود، تحقق یافت. چنانچه رسول گرامی حیات برزخی نداشته و هیچگونه ارتباطی میان ما و او وجود ندارد، چگونه ابوبکر به او خطاب کرده و گفت: یا نبی الله.

- امیر مؤمنان علی علیه السلام آنگاه که پیامبر را غسل می‌داد به او چنین گفت: بای انت و امی یا رسول الله لقد انقطع بموتک ما لم یقطع بموت غیرک من النبوة والانباء و اخبار السماء... بای انت و امی اذکرتنا عند ربک و اجعلنا من بالک» (5) پدر و مادرم فدای تو بادای رسول خدا، با مرگ تو چیزی منقطع گردید، که با مرگ دیگران منقطع نگردیده بود؛ با مرگ تو رشته نبوت و وحی گسسته شد... پدر و مادرم فدای تو باد، ما را نزد خدایت به یاد آور، ما را به خاطر داشته باش.

در پایان یادآور می‌شویم که توسل به انبیا و اولیا صورتهای مختلفی دارد که مشروح آن در کتب عقاید بیان شده است.

پی نوشت ها :

- 1-اراعب در مفردات (ذیل ماده وسل) می‌گوید: الوسيلة التوصل الى الشئ، برغبة و حقیقة الوسيلة الى الله مراعاة سبيله بالعلم و العبادة و تحری مکارم الشریعة.
  - 2-صحیح بخاری، ج5، باب قتل ابی جهل، سیره ابن هشام:292/2 و غیره.
  - 3-صحیح مسلم، ج2، باب ما یقال عند دخول القبر.
  - 4-صحیح بخاری، ج2، کتاب الجنائز، ص17.
  - 5-نهج البلاغه، بخش خطبه‌ها، شماره 235.
- منشور عقاید امامیه صفحه 231